



# کنفرانس شهرپتروگراد

حزب کارگرسوسیال دموکرات  
روسیه (بلشویک) آوریل ۱۹۱۷

همراه با: ۱- دفاع از ترفهای آوریل  
۲- بلانکیسم

و. ای. لنین

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



www.Iran-archive.com



از انتشارات  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

—هـ: ۲۵ ریال

A-4  
70

# کنفرانس شهر پتروگراد

حزب کارگر سوسیال دموکرات  
روسیه (بلشویک) آوریل ۱۹۱۷

همراه با: ۱- دفاع از تره‌های آوریل

۲- بلانکسم

و. ای. لنین

## سرسخن

کنفرانس پتروگراد ( آوریل ۱۹۱۷ ) در مقطعی برگزار شد که حزب بلشویک می رفت تا در چهارچوب ترهای آوریل ، به حساس ترین مراحل دوران کهنس پاگذارد . حکومت موقت که از اعتماد - ناشی از توهم - توده ها برخوردار بود ، به پس گرفتن دست آورد های فوری پرداخته و به ضد انقلاب بورژوا - ملاکی اجازه داده بود تا خود را در زیر دامن حکومت انقلابی ! موقت تاندان مسلح کرده و برای حمله نهایی به انقلاب آماده سازد . در کنار این تهدید ضد انقلاب داخلی ، تهدید خارجی نیروهای امپریالیسم آلمان مزید برعلت شده و به منشویک ها و اس - آرها و کادتها فرصت میداد تا با سوء استفاده از توهم توده ها آنها را زیر لوای " دفاع طلبی " به پشتیبانی از حکومت موقت واداشته و به مسلخ بورژوازی ببرند . و تهاجم به بلشویسم را که تنها پوزسیون انقلابی آن زمان بود تحت عناوینی از قبیل " مبارزه با جاسوسان آلمان " و غیره آغاز کنند . انعکاس مبارزه طبقاتی در میان صفوف بلشویک ها نیز موجب بروز اختلافات ایدئولوژیک شده بود . مسایلی از قبیل - مرحله ی انقلاب ، طرز برخورد با حکومت موقت ، مسأله قدرت واقعی ، مسأله ی ارضی ، جنگ و ... به رویارویی و برخورد بین گارد قدیم و یاران رفیق لنین منجر شده و به نوسانات و عبارت پردازی تروتسکیستی دامن زده بود . رفیق لنین به شیوای داهیانه به مبارزه ایدئولوژیک با انحرافات درونی بلشویکها و تبیین اصولی کلیه معضلات دست بازید . کنفرانس پتروگراد یکی از عرصه های این پیکار است .

" یادداشت های جهت یک مقاله باخطا به در دفاع از ترهای آوریل " علی رغم اختصار تأکید دیگری است بر شیوه برخورد بلشویکی با مسایل جنبش کمونیستی .

مقالی " بلانکیسم " - و اصولا برخورد لنین با اشکال " نوین " بلانکیسم - از با ارزش ترین آثار لنین است که متأسفانه جنبش جهانی کمونیستی کمتر به آن پرداخته و کمتر آنرا شکافته است . به نظر رفیق لنین بلانکیسم به دلیل عدم اتکا به توده ها و احساس ناتوانی خود در تغییر انقلابی جامعه کهن ، دست اتحاد به سوی بورژوازی دراز میکند و به امرهایی طبقه کارگر - که باید به دست خود طبقه کارگر دارای آگاهی طبقاتی صورت گیرد - خیانت می ورزد .

کمیته ی مرکزی به دلیل عدم برخورد دیاکتیکی با مشی گذشته و پندسرسش اسکولاستیکی مارکسیسم - لنینیسم به انحراف بلانکیستی دچار شده است . که این خود یکی از علل عمده انحراف از اصول " این رفقا است که طرد سانترا لیسمد مکرراتیک و جلوگیری از مبارزه ایدئولوژیک علنی تنها نمود های کوچکی از نتایج این انحراف راه دست میدهند .

**سازمان جهانی خلق ایران**



۱	صفحه	۱- گزارش اوضاع کنونی و طرز برخورد با حکومت موقت ۱۴ (۲۷) آوریل
۷	"	۲- ملاحظات نهایی در مباحثه‌ی مربوط به گزارش اوضاع کنونی ۱۴ (۲۷) آوریل
۱۰	"	۳- در ملاحظه ضمن بحث دربارہی قطعنامه‌ی مربوط به طرز برخورد با حکومت موقت ۱۵ (۲۸) آوریل
۱۱	"	۴- قطعنامه‌ی مربوط به طرز برخورد با حکومت موقت
۱۳	"	۵- در ملاحظه در مباحثه‌ی مربوط به مسأله‌ی انتخابات شهرداری ۲۲ آوریل ( ۵ مه )
۱۴	"	۶- قطعنامه‌ی مربوط به مسأله‌ی شهرداری
۱۵	"	۷- پیشنهاد نویس قطعنامه‌ی مربوط به طرز برخورد با احزاب سوسیال رولوسیونر ، سوسیال دموکراتهای منشویک ، سوسیال دموکراتهای مستقل و سایر جریانهای مشابه
۱۷	"	۸- پیشنهاد نویس قطعنامه در باره‌ی جنگ
۲۲	"	<u>توضیحات</u>
۲۲	"	یادداشت‌هایی جهت يك مقاله یا خطاب در دفاع از تزه‌های آوریل
۲۶	"	بلانکس

مشی سیاسی ما ، که در قطعنامه‌ها تشریح شده ، با وسواس بسیار بیشتر از هر  
حزب سیاسی دیگری قوام یافت . باری ، حوادث اوضاع سرپانویسی پدید آورد مانند  
اشتباه اصلی انقلابیون در این است که آنها به انقلابات کهنه‌ی پشت سر ، چشم می‌-  
دورند ، حال آنکه زندگی بسیاری پدید می‌آید که فراروی ما میگذارد که باید در الگوری  
کلی حوادث گنجانیده شوند .

تعریف ما از نیروهای محرک‌ی انقلاب ، کاملاً درست بود . حوادث حقانیت پیش-  
فرضهای بلشویکی قدیم ما را ثابت کرد مانند ، ولی عیب کار در این است که رفقای ما -  
خواهند بلشویک‌های "قدیم" باقی بمانند . جنبش‌شود مای محدود به پرولتاریا و  
د هقانان بود . بورژوازی اروپای غربی همیشه مخالف انقلاب بود . شرایطی که ما با  
آن سروکار داشتیم با این صورت بود . ولی پدید می‌آید که در آن صورت ، در آمدند .  
جنگ امپریالیستی ، بورژوازی اروپا را دچار تفرقه کرد و این امر سبب ایجاد شرایطی  
شد که سرمایه‌داران انگلیسی - فرانسوی ، بدلیل امپریالیستی ، پشتیبان یک  
انقلاب روسی شدند . سرمایه‌داران انگلیسی حقیقتاً با گوجکف ، میلیوکوف و  
افسران عالی‌رتبه‌ی ارتش ، تباری کردند . سرمایه‌داران انگلیسی - فرانسوی با  
انقلاب همراهی کردند . روزنامه‌های اروپا موارد بسیاری از مسافرت‌های ماورای -  
مخفی انگلیسی و فرانسوی به منظور مذاکره با "انقلابیونی" نظیر گوجکف را گزارش  
کردند . از این رو ، انقلاب دوستان ناخواند مای پدید آمده است . نتیجتاً ،  
انقلاب خلاف آن چیزی که همی ما توقع داشتیم ، از آن درآمد . مانه تنه‌ها در  
بورژوازی روسیه بلکه بین سرمایه‌داران انگلیسی - فرانسوی هم دوستانه‌ی پیدا  
کرد مایم . وقتی در یک سخنرانی در خارج \* از این مسأله یاد کردم ، یک منشویک  
به من گفت که ما اشتباه کرده بودیم ، چرا که حوادث ثابت کردند که بورژوازی برای  
موفقیت انقلاب ضروری بود . من جواب دادم که بورژوازی تنها تاحدی "ضروری"  
بود که کمک کرد انقلاب ظرف هشت روز به‌روز شود . آیا میلیوکوف پیش از انقلاب



نگفت که اگر پیروزی در گرو انقلاب باشد ، او با پیروزی مخالف است ؟ ما نباید این سخنان میلیوکوف را از یاد ببریم .

و به این ترتیب انقلاب در مرحله اول ، طوری تکوین یافت که کسی توقع نداشت پاسخ بلشویکها به مسأله‌ی مربوط به شق " دفاع از میهن " این بود : اگر یک انقلاب بورژوا - شوونیستی پیروز شود ( سوسیال دموکرات <sup>۱</sup> شماره ۲۷ ) ، آنگاه دفاع از میهن غیر ممکن خواهد شد . در اوضاع استثنائی فعلی ، ماداری قدرت دوگانیم . در خارجه ، که یک روزنامه‌ی چپ تراز ریج هرگز با نجاراه پیدا نمیکند ، و روزنامه‌های بورژوازی انگلیسی و فرانسوی از یک حکومت موقت قدر قدرت و بی نظمی هایی که شورای نمایندگان کارگران و سربازان بین آنهاست ، صحبت میکنند ، هیچکس اید می روشنی از این قدرت دوگانه ندارد . ماقط نقدا " در اینجا فهمیدیم که شور قدرت را به حکومت موقت تسلیم کرده بود . شور بازار دیکتاتوری پرولتاریا و سربازان است ؛ که در میان سربازان اکثریت باد حقانهاست . بنا بر این شور یک دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان است . ولی این " دیکتاتوری " با بورژوازی بیعت کرده است . همین جا است که بلشویسم " قدیم " با صلاح نیاز دارد . اوضاع ایجاد شده نشان میدهد که دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان با قدرت بورژوازی پیوند یافته است . وضعیتی عجیب استثنائی . در گذشته هیچ موردی پیدا نمیکنید که در یک انقلاب ، نمایندگان پرولتاریای انقلابی و دهقانان ، آنها تانندان مسلح ، با بورژوازی هم پیمان شده و در عین در اختیار داشتن قدرت ، آنها به بورژوازی واگذار کرده باشند . بورژوازی از قدرت سرمایه و قدرت تشکیلات برخوردار است . تعجب آور است که کارگران نشان دادند که خود نیز میتوانند بخوبی آنها متشکل شوند . انقلاب بورژوازی در روسیه تاجائیکه قدرت بدست بورژوازی افتاده ، پایان یافته است . اینجا " بلشویکهای قدیم " حرف دارند ؛ " پایان نیافته - چرا که دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان ایجاد نشده است . " ولی شورای نمایندگان کارگران و سربازان همان دیکتاتوری است .

جنبش ارضی به دو شکل میتواند رخ دهد ، ممکن است دهقانان زمین را بگیرند ، ولی ممکن نیست کشمکش بین پرولتاریای ده و دهقانان مرقه در بگیرد . این امر به هر حال ، غیر ممکن است چرا که مبارزه‌ی طبقاتی منتظر نمی ماند . اگر اکنون آنچه را که در سال ۱۹۰۵ میگفتیم تکرار کنیم ، و مبارزه‌ی طبقاتی در حومه رادر نظر بگیریم ، به امر پرولتاریا خیانت کرد مایم .

هم اکنون از تصمیمات بسیاری از کنگره‌های دهقانی میتوان این گرایش را تشخیص داد که حل مسأله‌ی ارضی ، موقوف به احضار مجلس مؤسسان شود . این يك پیروزی برای دهقانان مرفه است که سرپرستان کادتها می ساینند . دهقانان هم اکنون دارند زمین را در اختیار خود میگیرند . سوسیال رولوسیونرها میکوشند که آنها را پس بزنند و به آنها پیشنهاد میکنند که تا تشکیل مجلس مؤسسان صبر کنند . ما باید درخواست ضبط فوری زمین را با ترویج امر برهائی شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزی در آمیزیم . انقلاب بورژوا - دموکراتیک پایان یافته است . برنامه‌ی ارضی باید به شیوه‌ی نوین انجام گیرد . نظیر نبردی که اینجا بین مالکین بزرگ و کوچک بر سر قدرت در گرفته ، در روستا نیز در میگیرد . دهقانان تنها به زمین اکتفا نخواهند کرد . شمار دهقانان بی اسب افزایشی چشمگیر یافته است . در حال حاضر ، این تنها ما هستیم که وقتی به دهقانان میگوئیم زمین را فوراً ضبط کنند ، انقلاب ارضی را تکوین میدهیم . زمین باید به شکلی منظم ضبط شود . نباید به مايلك صدمهای برسد . نتیجتاً ، جنبش ارضی تنها يك چشم انداز است ، نه يك واقعیت . این بر مارکسیستهاست که مسأله‌ی يك برنامه‌ی ارضی را برای دهقانان روشن کنند ، اهمیت اکید اجرای این نکته باید به شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزی محسول شود . ما باید بهر حال ، منتظر اتحاد دهقانان با بورژوازی ، نظیر کاری که از شورای نمایندگان کارگران و سربازان سرزد ، باشیم . نتیجه اینکه جنبش ارضی هنوز باید تکوین یابد . دهقان مرفه ، طبیعتاً ، به بورژوازی ، به حکومت موقت متمایل میشود . دهقان مرفه ممکن است که حتی از کوچک هم دست راستی تراز آب در بیاید . در حال حاضر ، پیروزی قدرت بورژوازی ، عمل انجام شده است . موقعیت اقتصادی دهقانان آنها را از ملاکین جدا میکند . چیزی که دهقانان به آن نیاز دارند حق قانونی بر زمین نیست . آنها به شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزی نیاز دارند . کسانی که به دهقانان توصیه میکنند ، که به انتظار تشکیل مجلس مؤسسان بمانند ، آنها را فریب میدهند .

وظیفه‌ی ما مرز بندی طبقاتی با این باتلاق خرد ، بورژوازی است . بورژوازی دارد کولاک میکند ، عده و عید های رنگارنگ میدهد ، ولی در عمل تنها سیاست طبقاتیش را دنبال میکند .

در شورای نمایندگان کارگران و سربازان ، صف بندی نیروها به گونه‌ای است که قدرت به حکومت موقت تفویض شده ، در حالیکه سوسیالیستها به " کمیسیون ارتباط " قناعت کرده‌اند . البته که این حکومت از قابل اعتمادترین و بهترین افراد طبقه‌شان ترکیب یافته است ، اما باز هم طبقه‌ی مشخص ، خرد ، بورژوازی درست تسلیم آنها شده است . اگر ما يك مرز بندی پرولتری نداشته باشیم ، خائن به امر پرولتارها



خواهیم بود . بورژوازی خواه با فریب و خواه با خشونت ، فرمانروایی میکند . هم اکنون چرب زبانی و فریب شیوع یافته و این امر باعث فروکش انقلاب میشود . بورژوازی در امور جزئی ، گذشتہایی میکند ولی در زمینه اموری با اهمیت درجه اول ، (مثلاً ، انقلاب ارضی) هیچ امتیازی نمیدهد . باید کور بود تا ندید که در روسیه غیراز ما بلشویکها ، چیزی به جز "دفاع طلبی انقلابی" وجود نداشته و این پدیده همه جا را تسخیر کرده است . "دفاع طلبی انقلابی" یعنی تسلیم همه اصول سوسیالیستی به منافع غارتگرانه سرمایه داری ، به منافی که پشت عبارت "دفاع از میهن" استتار شد ماند ؛ یعنی تسلیم مواضع خویش به خرد بورژوازی . وقتی من از توده می "صادق" دفاع طلبان انقلابی یاد کردم منظورم یک مقوله اخلاقی نبود ، بلکه یک تعریف طبقاتی بود . طبقاتی که در شوراها نمایندگان کارگران و سربازان شرکت دارند هیچ نفعی از جنگ غارتگرانه نمی برند . در اروپا وضع فرق میکند . آنجا مردم تحت ستم اند و اپورتونیست ترین صلح طلبان شدید تراز ما پروادایی ها تحت پیگرد قرار دارند . در کشور ما شورای نمایندگان کارگران و سربازان سیاست دفاع طلبی انقلابی خود را نه با زور ، بلکه با اعتماد توده ها به آن اعمال میکند . اروپا یک زندان نظامی پهنآور است . آنجا سرمایه داری با قساوت حکم می راند . بورژوازی در سراسر اروپا باید سرتگون شود ، نه اینکه طرف مذاکره قرارگیرد .

در روسیه سربازان مسلح اند ، تنها با پذیرش "دفاع از خود" در برابر وپلهم ، آنها به خود اجازه دادند که با صلح و صفای رفته شوند . در اروپا ، برخلاف روسیه که مردم آن بر اثر ناآگاهی ، سستی ، سنت و عادت به توسری خوردن ، قدرت را تقدیم بورژوازی کردند ، دفاع طلبی انقلابی "صادقانه" ای وجود ندارد . استکلوف و چخیدزه رهبران در گفتار و مشاطه های بورژوازی در کردار اند ؛ آنها با همهی فضائل شان ، با همهی آگاهی مارکسیستی شان و غیره ، از نظر سیاسی مرده اند . اینجا در روسیه قدرت در دستهای سربازان است . که به دفاع طلبی گروید ماند . موقعیت طبقاتی عینی سرمایه داران یک چیز است . آنها جنگ را در جهت منافع خود رهبری میکنند . سربازان از پرولترها و دهقانان هستند . این یک چیز دیگر است . آیا آنها علاقهای به تصرف استانبول دارند ؟ نه ، منافع طبقاتی آنها مخالف جنگ است ! از این رو است که میشود آنها را روشن ساخت ، میشود نظرشان را عوض کرد . معمای قدرت سیاسی در لحظه فعلی باید بتواند توده ها را به دیدن حقیقت وادارد . ما تا وقتی که به سربازان و توده های ناآگاه ، معنی شعار "مرگ بر جنگ" را حالی نکردیم ، نمی توانیم از "پشتیبانی" توده انقلابی و غیره حرفی بزنیم . شورای نمایندگان کارگران و سربازان چیست ؟ مفهوم طبقاتی آن ، قدرت مستقیم

است . ما ، البته ، آزادی سیاسی کامل نداریم . ولی هیچ جای دیگری ، به اندامی حالای روسیه آزادی وجود ندارد . " مرگ برچنگ " به این معنی نیست که سرنیزها در رانده گفته شود . به این معنی است که قدرت به طبقه دیگری منتقل شود . حالا ، باید همه نیروها را برای روشن ساختن این مسأله بسیج نمود . بلانکیسم کوشی برای تصرف قدرت به پشتیبانی يك اقلیت بود . در مورد ماقضیه بگلی فرقی - کند . ما هنوز در اقلیتیم و به لزوم احراز اکثریت واقفیم . برخلاف آنارشیهستها ، ما برای گذار به سوسیالیسم به دولت احتیاج داریم . کمون پاریس نمونه‌ای از دولت طراز شوروی ، نمونه‌ای از کاربرد قدرت مستقیم توسط کارگران متشکل و مسلح ، نمونه‌ای از دیکتاتوری کارگران و دهقانان را پدید آورد . نقش شوراها و اهمیت این نوع دیکتاتوری از آنجاست که در برابر ضدانقلاب نیروی متشکل به کار می‌برند ، و از دستاورد های انقلاب در راه منافع اکثریت و با پشتیبانی اکثریت پاسداری میکنند . در آن واحد نمی‌تواند قدرت دوگانهای وجود داشته باشد . شوراها طراز از دولت اند که وجود پلیس در آن غیر ممکن است . در اینجا مردم بر مردم حکومت میکنند ، و هیچ بازگشتی به سلطنت ممکن نیست . ارتش و خلق باید درهم مستحیل شوند - این است پیروزی آزادی ! همه باید کاربرد اسلحه را یاد بگیرند . برای پاسداری از آزادی همه خلق ، تمام خون نقر ، باید منسلح شوند . این است جوهر کمون . ما آنارشیهست نیستیم که ضرورت يك دولت منظم ، یعنی قدرت بطور کلی ، را منکر شویم . خصوصاً " دولتی که کارگران متشکل و مسلح ، خود از طریق شوراها از آن پشتیبانی میکنند . حوادث منجر به تلفیق يك دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان ، باد دیکتاتوری پرولتاریا شده اند . مرحله‌ی بعدی دیکتاتوری پرولتاریاست ، ولی پرولتاریا هنوز به حد کافی متشکل و آگاه نیست ، هنوز باید آگاه شود . شوراها یکی از قبیل شوراها ی نمایندگان کارگران و سایرین باید در سراسر کشور تشکیل گردد - زندگی خود طالب آنهاست . راه دیگری نیست . این است کمون پاریس ! شورای نمایندگان کارگران ، برخلاف آزادی پرولتاریا ، تشکیلاتی از طراز اتحادیه نیست . مردم آنرا طور دیگر و درست تری در یافته اند - آنها آنرا قدرت حکومتی میدانند . آنها در یافته اند که خلاصی از جنگ در گرو پیروزی شورای نمایندگان کارگران است . این طراز از دولت است که تحت آن میتوان به سوی سوسیالیسم به پیش رفت . این سؤال که اگر گروهی قدرت را تصرف کند ! بی معنی است . انقلاب روسیه از این حد فراتر رفته است : هر حکومتی به جز شورا غیر ممکن است ، و این همان چیز است که پرولتاریا از آن وحشت دارد . مادامیکه شوراها قدرت را تصرف نکرد ماند ، ما آنرا نخواهیم گرفت . باری ، يك نیروی زنده ، باید شوراها را به تصرف قدرت برانگیزد . در غیر این صورت



ماهرگز از شر جنگی که سرمایه‌داران با فریب مردم ، به آن ادامه می‌دهند ، خلاصی نخواهیم یافت . همه‌ی کشورها بپرنگاه نیستی قرار دارند؛ خلقها باید این امر را دریابند؛ هیچ راه خلاصی ، جز از طریق انقلاب سوسیالیستی وجود ندارد . حکومت باید سرنگون شود ، ولی معنی این امر راهمه به درستی درک نمی‌کنند . مادامیکه حکومت موقت از پشتیبانی شورای نمایندگان برخوردار است ، "سهل است" که نمی‌توان آنرا سرنگون کرد . تنه‌اراه شایسته و بایسته‌ی سرنگونی آن ، احراز اکثریت در شوراهاست . یا پیش‌پسوی قدرت تجزیه‌ناپذیر شوراها‌ی نمایندگان کارگران و سربازان ، یا بازگشت به جنگ امپریالیستی - شق ثالثی وجود ندارد . کائوتسکی منکر امکان وقوع انقلاب در دوران جنگ بود . حوادث اشتباه‌ش را به او ثابت کردند . در رابطه با ملی کردن بانکها و به دست گرفتن اداره‌ی آنها - این امر از نظر اقتصادی عملی است ، وقتی قدرت در دست کارگران باشد ، هیچ چیز نمی‌تواند از نظر اقتصادی از آن جلوگیری کند . در برخورد ما با تکالیف پرولتاریا ، به وضوح ، جایی برای هیچ اتحادی با "دفاع طلبان" وجود ندارد .

در رابطه با نام جدیدی برای حزب : کلمه‌ی "سوسیال دموکراسی" نادرست است ؛ این کلمه از نظر علمی غلط است . مارکس و انگلس در موارد بسیاری این نکته را تکرار کرده‌اند . اگر آنها کلمه را "تحمیل کردند" بخاطر این بود که پس از سال ۱۸۷۱ شرایط ویژه‌ی پدید آمدن : تدارک آزام توده‌ها ضروری بود ، انقلاب در دسترس روز قرار نداشت . دموکراسی نیز ، به معنی نوعی از دولت است ، ولی کمون پاریس از آن فراتر رفت . حالا سراسر جهان با موردی عملی رویروست - با گذار به سوسیالیسم . پلخانف، سوسیال دموکرات و باقی سوسیال شوونیست‌های سراسر جهان به سوسیالیسم خیانت کرده‌اند ، ما باید خود را حزب کمونیست بنامیم .

گزارش کوتاهی از آن در ۲۵ آوریل (مه) ۱۹۱۷

در شماره ۴۰ روزنامه پراودا چاپ شد

از روی متن تایپ شد صورتجلسات به چاپ رسید

متن کامل آن برای اولین بار در سال ۱۹۲۵ به چاپ

رسید . در کتاب شهر پتروگراد و کنفرانس‌های

کشوری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

(بلشویک)

آوریل ۱۹۱۷

و ای . لنین - مجموعه آثار

پروگرس - مسکو - متن انگلیسی -

چاپ سوم -

جلد ۲۴ - صفحات ۱۲۷-۱۲۱

ملاحظات نهایی درمباحثه مربوط به گزارش اوضاع کنونی  
۱۴ (۲۷) آوریل

مباحثه نشان داد که اتفاق نظر وجود ندارد . من نمی توانم به همه ی مسائل پاسخ  
دهم .

مسأله ی بلشویسم قدیم . کالینین از بلشویسم قدیم دفاع کرد . ولی به این نتیجه  
نیز رسید که تاکتیکهای کنونی ماصحیح است . نظر دیگر برآن است که گرایش  
محسوس به سوی تاکتیکهای خرده بورژوازی وجود دارد .

در يك عبارت قدیمی آمده است: به پایان بردن انقلاب . ولی کدام انقلاب ؟  
شرایط عینی در ۱۹۰۵ چنین بود: پرولتاریا و دهقانان تنها عناصر انقلابی بودند ،  
در حالیکه گادتها طرفدار سلطنت بودند . حالا دفاع طلبی بیانگر پیروی دهقانان  
از تاکتیکهای خرده بورژوازی است . به پایان بردن انقلاب تحت این شرایط بی -  
معنی است . انقلاب ، خرده بورژوازی و سایر عناصر انقلابی را برزمینه دفاع طلبی  
متحد کرده است .

آینده ی دیکتاتوری پرولتاریا و دهقانان . دهقان خرده بورژوازی که عقاید دفاع  
طلبانه دارد ، حتی ممکن است از يك رژیم سلطنتی طرفداری کند .

از مشی بلشویسم ، خط جدیدی نتیجه میشود . خرده بورژوازی و بورژوازی بزرگ  
متحد شده اند . ما منافع متضاد طبقاتی رانقطه ی عزیمت خود قرار میدیم . دهقانان  
زحمتکش باید مخالف جنگ امپریالیستی باشند . دهقانان صاحب ملك طرفدار دفاع  
طلبی هستند .

دفاع طلبی نشان داده که خرده بورژوازی ، طبقه ی کارگر را رها کرد و نزد بورژوازی  
بزرگ رفته است . دهقان فقیر که بخشی از معاش خود را در شهر بدست می آورد هیچ  
نیازی به این جنگ ندارد . این طبقه باید مخالف جنگ باشد .

بلشویسم قدیم را باید رها نمود . خط خرده بورژوازی باید از خط پرولتاریای مزد  
بگیر جدا شود . عبارات زیبا درباره ی خلق انقلابی شایسته ی آدمی نظیر کرنسکی  
هستند ، نه پرولتاریای انقلابی . انقلابی بودن ، حتی دموکرات بودن ، پس از خلع  
نیکلا ، فضیلت بزرگی نیست . دموکراسی انقلابی به هیچ دردی نمی خورد . همماش  
حرف است . بیش از آنکه آشتی ناپذیری تضاد منافع طبقاتی را برپا کند برآن سهوش  
میگذارد . يك بلشویك باید چشمان کارگران و دهقانان را بر این تضادهای آشتی

ناپذیر بگشاید ، نه اینکه آنها را پرده پوشی کند . اگر جنگ امپریالیستی از نظر اقتصادی به پرولتاریا دهقانان صدمه میزند ، این طبقات باید علیه آن بپا خیزند . ایجاد شبکه‌ای از شوراهای نمایندگان کارگران ، سربازان و دهقانان — این است وظیفه‌ی امروز ما . هم اکنون سراسر روسیه دارد باشبکه‌ای از ارگانهای خودگردان محلی پوشیده میشود . کمون میتواند به شکل ارگانهای خودگردان نیز بچود آید . امحاء پلیس و ارتش دائمی ، و تسلیح تمام خلق — همه‌ی اینها میتواند توسط ارگانهای خودگردان محلی عملی شود . من صرفاً به این دلیل از شورای نمایندگان کارگران نام بردم که هم اکنون به وجود آمده است .

میگویند ، ما باید پرولتاریا را " جلب کنیم " . این کار را چخیدزه ، حکومت موقت و سایرین وقتی عبارات مظنون درباره‌ی دموکراسی انقلابی به کار می‌برند ، انجام میدهند یک بلشویک باید میان پرولتاریا و خرده بورژوازی فرق بگذارد ، عباراتی از قبیل " دموکراسی انقلابی " و " خلق انقلابی " راه کزنسکی واگذار کند . دموکراسی در روسیه ، امپریالیستی است . میگویند ، ما داریم فعالیتیمان را به کار فرهنگی تقلیل می‌دهیم . این درست نیست . گذراندن قطعنامه‌های مربوط به مجلس مؤسسان و غیره میتواند به معنی " جلب " پرولتاریا باشد .

کار واقعی ، به فعل درآوردن امحاء ارتش دائمی ، بوروکراسی و پلیس و تسلیح تمام خلق است .

مجلس مؤسسان انقلاب را نخواهد کشت ، چراکه حالا حرفی از آن در بین نیست و کسی هم قصد احضارش را ندارد . بگذاریم سوسیال رولوسیونرها احضار آنرا درخواست کنند .

این جنگ ، جنگ جهانی است . جنگی که توسط طبقات مشخصی درگیر شد و با سرمایه‌ی بانکی پا گرفت . آنرا با انتقال قدرت به طبقه‌ای دیگر ، میتوان خاتمه داد . تا وقتی که قدرت در دست طبقات حاکم باقی بماند ، صلح چیزی را نمیتواند تغییر دهد . باید به پرولتاریا نشان داد که چگونه میتوان انقلاب را با گامهای مشخص به پیش برد . پیشبرد انقلاب یعنی کسب خودگردانی با فعالیت مستقل . رشد دموکراسی سه راه خودگردانی نیست ، به ما کمک میکند هدفهایمان را مشخص کنیم . جنگ فقط با انتقال قدرت به طبقه‌ای دیگر میتواند خاتمه یابد — و روسیه از همه به آن نزدیکتر است . ولی هرگز با قرارداد متارکه بین سرمایه داران همه‌ی کشورهای بر مبنای معارضه‌ی ملت‌های تحت سلطه پایان نخواهد گرفت . کمون برای دهقانان کاملاً مناسب است . کمون یعنی خودگردانی کامل و فقدان هر نظارتی از بالا . نه دهم ( ۹ / ۰ ) دهقانان باید موافق آن باشند .

اگر دهقانان زمینها را ضبط کنند ، بورژوازی ممکن است خود را به ملی کردن زمینها

راضی کند . ما ، بعنوان يك حزب پرولتری ، باید عنوان کنیم که زمین به تنهایی نمیتواند مردم را سیر کند . برای کشت آن ، ناگزیر باید کمون را برپا داشت . ما باید طرفدار تمرکز باشیم ، ولی اوقاتی هست که میتوان امور را در محل به بهترین نحو فیصله داد؛ ما باید حد اکثر ابتکار را در نواحی محلی مجاز داریم . کادتها هم اکنون مثل مأمورین رسمی عمل میکنند . آنها به دهقانان میگویند : " به انتظار مجلس مؤسسان بمانید . " تنها حزب ما ، با شعارهایش انقلاب را واقعاً به پیش میراند . شورا- های نمایندگان کارگران شایستگی کامل برپایی کمونها در مناطق محلی را دارند . مسأله این است که آیا پرولتاریا از تشکل کافی برای انجام این وظیفه برخوردار خواهد بود ، ولی ما نمیتوانیم این مسأله را پیشاپیش برآورد کنیم ، باید از عمل بیاموزیم . تروتسکیسم : " تزارها بیرون ، حکومت کارگری . " این درست نیست . خرده- بورژوازی هم وجود دارد و نمیتوان آنرا بیرون کرد . ولی خرده بورژوازی دارای دو بخش است . از این میان ، بخش فقیرتر با طبقه کارگر است . جنگ . پایان دادن به جنگ از طرق صلح آمیز خواب و خیال است . ممکن است به صلحی امپریالیستی منجر شود . ولی توده ها چنین صلحی نمی خواهند . جنگ ادامه ی سیاستهای يك طبقه است؛ تغییر ماهیت جنگ مستلزم تغییر طبقه ی دارای قدرت است . اسم " حزب کمونیست " از نظر تئوریک بی عیب است . سوسیالیستهای چپ کشور- های دیگر ، بسیار ضعیف اند . ما باید پیشقدم شویم .

از روی نسخه ی تایپ شده صورتجلسات به چاپ رسید  
چاپ اول سال ۱۹۲۵ در کتاب شهر پتروگراد و کنفرانس  
های کشوری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه  
( بلشویک )

آوریل ۱۹۱۲

و . ای . لنین - مجموعه آثار  
پروگرس - مسکو - متن انگلیسی - جلد ۲۴  
صفحات ۱۵۱ - ۱۴۸



دو ملاحظه ضمن بحث درباره‌ی قطعنامه‌ی مربوط به طرز برخورد با حکومت موقت

۱۵ (۲۸) آوریل

I - پس از مباحثه‌ی دیروز ، من میتوانم به ملاحظاتی مختصر اکتفا کنم . قطعنامه راه را مشخص میکند . این امر مسلم که طبقات مشخصی در حکومت شرکت دارند و نیز این که حکومت متکی به شورای نمایندگان کارگران است ، شرایط را تعیین میکند . غرض این نیست که خود را تسلیم خرده بورژوازی کنیم ، بلکه باید گروههای مستقلی نه به منظور جداسازی خود از خرده بورژوازی ، بلکه به منظور واداشتن آن به پیشروی ، تشکیل دهیم . ضبط تمامی زمین ، گامی به پیش از جانب خلق انقلابی است . تعویض ارتش دائمی با میلیس گامی به پیش است .

II - رفیق کامف دارد به منی چخیدزه و استکلوف می پیوندند . البته ، اگر ماحرفی نزنیم ، کسی نخواهد گفت که حکومت موقت دارد موضوع مجلس مؤسسان را ماستمالی میکند . همه میخواهند جنگ ادامه یابد . بحث بر سر شکل گیری ضد انقلاب است . در مواقع انقلابی نظارت به معنی فریب است . تاریخ انتخابات را میشود ظرف سه روز تنظیم کرد . بانوشتن فهرست "خطاها" ، مهمات ترویج ما فراهم میشود . یافتن حقیقت در کمیسیون ارتباط غیر ممکن است . بدون قدرت ، نظارتی وجود ندارد . نظارت توسط قطعنامه ها و غیره ، یا وای بیش نیست . نظارت به معنی پراکندن تیرگی و اوهام خرده بورژوازی است .

از روی نسخه‌ی تایپ شده صورتجلسات به چاپ رسید  
چاپ اول سال ۱۹۲۵ در کتاب شهر پتروگراد  
و کنفرانس‌های کشوری حزب کارگر سیوسیال دموکرات  
روسیه ( بلشویک )

آوریل ۱۹۱۲

و . ای . لنین - مجموعه آثار

پروگراد - مسکو - متن انگلیسی - جلد ۲۲

صفحات ۱۵۲ - ۱۵۳

قطعه‌نامه‌ی مربوط به طرز برخورد با حکومت موقت

نظر به اینکه :

- (۱) - حکومت موقت، به مقتضای ماهیت طبقاتیش، ارگان سلطه‌ی ملاکین و بورژوازی است؛
  - (۲) - حکومت موقت و طبقاتی که این حکومت معرف آنهاست بارشته‌های ناگسستنی اقتصادی و سیاسی با مهربالیسم روس و مهربالیسم انگلیس - فرانسه، وابسته‌اند؛
  - (۳) - حکومت موقت برنامه‌ی ادعایی خود را تنها قسماً "و آنهم فقط تحت فشار پرولتاریای انقلابی، و تا حدودی، خرد بورژوازی، اجرا میکند؛
  - (۴) - نیروهای ضد انقلاب بورژوازی - ملاکی، که دارند متشکل میشوند، تحت پوشش حکومت موقت و با تجاهل آشکار آن، از هم اکنون حمله به دموکراسی انقلابی را تدارک دید ماند؛
  - (۵) - حکومت موقت از تعیین تاریخ انتخابات مجلس مؤسسان خود داری کرده، از تسلیح تمام خلق اجتناب ورزیده، با انتقال همه‌ی زمین به دست خلق مخالفت نموده، در عوض شهومی ملاکانه‌ی حل مسأله‌ی ارضی را جازده، در اعلام روز کار هشت ساعته کارشکنی کرده، تبلیغات ضد انقلابی در ارتش را (توسط گوجکوف و شرکا) آزاد گذاشته، از افسران عالی‌رتبه در برابر سربازان پشتیبانی میکند و غیره؛
  - (۶) - این حکومت، در عین حال، در حال حاضر متکی بر اعتماد و تاحدی اتفاق نظر واقعی با شورای پتروگراد نمایندگان کارگران و سربازان بوده و این شورا اکنون اکثریت چشمگیری از کارگران و سربازان، یعنی دهقانان، را در خود متحد کرده است؛
  - (۷) - هر گام حکومت موقت، هم در زمینه‌ی سیاست داخلی و هم خارجی، نه تنها چشمان پرولتاریای شهر و ده و نیمه پرولترها، بلکه چشمان اقشار وسیعی از خرد بورژوازی را نیز، بر ماهیت واقعیت این حکومت، می‌گشاید؛
- کنفرانس مقرر میدارد که :

- (۱) - به منظور تضمین انتقال همه‌ی قدرت دولت به شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان و سایر ارگانهایی که مستقیماً مبین اراده‌ی خلق هستند، انجام کار پیگیر برای تکوین آگاهی طبقاتی پرولتاریا و متحد کردن پرولتاریای شهری

- ده در برابر نوسانات خورده بروزوازی ضروری است ، چراکه تنها این چنین کاری  
 میتواند پیشروی واقعی از جانب تمام خلق انقلابی را تضمین کند؛
- (۲) - این امر مستلزم فعالیت همه جانبه در میان شوراهای نمایندگان کارگسران و  
 سربازان ، مستلزم کار در جهت افزایش شمار این شوراها ، استحکام قدرت  
 آنها ، و مستلزم گردآوردن گروههای وفادار به انترناسیونالیسم پرولتری حزب  
 مادر این شوراها است؛
- (۳) - ما باید نیروهای سوسیال دموکراتیک خود را با کارایی بیشتری سازمان دهیم ،  
 تا قادر باشیم موج نوین جنبش انقلابی را به زیر پرچم سوسیال دموکراسی  
 انقلابی ، هدایت کنیم .

پراودا - شماره ۳۵

۸ آوریل (اول مه) ، ۱۹۱۷

از روی نسخه تایپ شده صورتجلسات به چاپ رسید  
 و با متن پراودا مقایسه شد .

و ای . لنین - مجموعه آثار

پروگرس - مسکو - متن انگلیسی

جلد ۲۲ - صفحات ۱۵۵ - ۱۵۴

دوملاحظه در مباحثه‌ی مربوط به مسأله‌ی انتخابات شهر داری  
۲۲ آوریل (۵ مه)

I- چون انتخاب نمایندگان به نسبت آراء انجام میگردد ، نیازی به ائتلاف نیست ، راه یافتن مابعد عنوان اقلیت ، قطعی است . من باریق کالینین شدیداً مخالفم ، چراکه ائتلاف با خرده بورژوازی ، با شوونیست ها ، غیر قابل تصور است . همین اید می ائتلاف با خرده بورژوازی ، که توسط سرمایه دازان پشتیبانی میشود . خیانت به سوسیالیسم است . میخواهیم با چه کسانی وارد ائتلاف شویم؟ با نویسندگان انترناسیونال [۳] ولی هنوز این روزنامه منتشر نشده ، بنابراین ما آنها را نمی شناسیم . چخیدزه بدترین صورتك دفاع طلبی است . تروتسکی ، وقتی روزنامه‌اش را در ریاریس منتشر میکرد ، هرگز روشن نکرد که با چخیدزه موافق بود یا مخالف . ما همیشه بر علیه چخیدزه بودیم ، چراکه او پرده‌دار محیل شوونیسم است . تروتسکی هرگز موضع خود را روشن نکرده است . از کجا بدانیم که لارین ، سردبیر انترناسیونال ، از همین تاکتیکها پیروی نمی کند؟ ما باید با برنامه‌ای مشخص به پیش رویم . هم اکنون مبارزهای بین سه حزب آغاز شده است : نخست حزب دزدان و آدمکشان؛ دوم حزبی که با عبارات زیبا از از این دزدها پشتیبانی میکند ، و بالاخره حزب سوم ، حزبی که از پشتیبانی دزدان سر باز زده و اشتباهات هرکسی را افشا میکند؛ از جمله کمیته اجرایی و شورای نمایندگان کارگران و سربازان را .

گناه شورائین نیست که قدرت را فرو نهاد ، بلکه این است که به خلق بدآموزی میکند ، این است که در باره‌ی پیروزی بر حکومت فریاد می کشد .

II- من کاملاً موافقم که اسامی کاندیداهای منشویکی که دارند با شوونیسم قطع رابطه میکنند ، در فهرست انتخاباتی ما منظور شود . این ائتلاف نیست . تاجائیکه به احزاب مربوط میشود ، روسیه از تشکل قابل ملاحظه‌ای برخوردار است . راجع به يك برنامه : مسأله‌ی میلیس با پرداخت حقوق ، مسأله‌ی ذخایر غذایی ، مسأله‌ی مالیاتها - همه‌ی اینها مهم است .

از روی نسخه‌ی تایپ شده‌ی صورتجلسات به چاپ رسید  
چاپ اول - سال ۱۹۲۵ در کتاب: شهر پتروگراد و  
کنفرانسهای کشوری حزب کارگر سوسیال دموکرات  
روسیه ( بلشویک ) آوریل ۱۹۱۲

و ای . لنین - مجموعه آثار  
پروگرس مسکو - متن انگلیسی  
جلد ۲۲ - صفحات ۱۵۵-۱۵۴



### فصلنامه‌ی مربوط به مسأله‌ی شهرداری

تحت هیچ شرایطی، برنامه‌ی شهرداری به ویژه در زمان انقلابی کنونی، نمیتواند محدود به مسائل محلی باشد.

این برنامه باید دربرگیرنده‌ی پاسخ مشخص به همه‌ی موضوعهای اصلی روزنیـز باشد، به ویژه مواردی که به جنگ ووظایف پرولتاریا در قبال قدرت مرکزی مربوط میشوند.

حتی در مسائل شهری از قبیل میلیس، ذخایر غذایی، خانه سازی و مالیاتها، مانیتوانیم از احزاب خرده بورژوا توقع داشته باشیم که با موازین انقلابی ضروری جهت مبارزه با جنگ و پیامدهای آن، موافقت کنند.

به همه‌ی این دلایل ما باید بدون ائتلاف، باتکیه مستقیم بر اصولی که در برنامه‌ی حزب پرولتری اعلام شده‌اند در انتخابات شرکت کنیم و تفاوتهای بنیادی سه جریان عمده‌ی حزبی را به مردم توضیح دهیم:

(۱) کادتها و جریانهای دست راست آنها؛ (۲) احزاب خرده بورژوازی (نارد نیکها) و قشری از کارگران که زیر نفوذ بورژوازی قرار گرفته اند (دفاع طلبان منشویک)؛ (۳) حزب پرولتاریای انقلابی (بلشویکها).

ترتیبات فنی انتخابات مبتنی بر انتخاب نمایندگان به نسبت آراء، ائتلاف را از نظر فنی بی فایده میسازد.

در همه حال مقتضی است که روابط نزدیکتر و تبادل نظر دوجانبه، با منشویکهایی که دفاع طلبی و حمایت از حکومت موقت را کنار گذاشته‌اند، تقویت شود. داشتن فهرست انتخاباتی مشترک با این رفقا، به شرطی که بر سر مسائل اساسی اتفاق نظر کافی وجود داشته باشد، مجاز است. يك برنامه‌ی جامع شهرداری، به ویژه در باره‌ی مسأله‌ی میلیس پرولتری که حقوق آنرا سرمایه داران بپردازند، باید تهیه شود.

پراودا - شماره ۲۸ - ۲ (۱۵) مه، ۱۹۱۷

از روی متن تایپ شده‌ی صورتجلسات به چاپ رسید  
و با متن پراودا مقایسه شد.

و ای. لنین - مجموع آثار  
پروگرس - مسکو - متن انگلیسی  
جلد ۲۲ - صفحه‌ی ۱۵۸

پیشنویس قطعنامه‌ی مربوط به طرز برخورد با احزاب سوسیال-  
 رولوسیونر، سوسیال‌دموکراتهای منشویک، سوسیال‌دموکراتهای  
 مستقل و سایر جریانهای سیاسی مشابه

نظر به اینکه :

( ۱ ) - احزاب سوسیال - رولوسیونر ، سوسیال دموکراتهای منشویک و غیره در اکثریت به اتفاق موارد ، نقطه نظر " دفاع طلبی انقلابی " را پذیرفته و به قرضه رأی مثبت داد ماند ، یعنی از جنگ امپریالیستی که توسط حکومت امپریالیستی سرمایه‌داران - گرجکف ، لوف و شرکا - در گرفته ، پشتیبانی نمود ماند؛

( ۲ ) - این احزاب از حکومت موقت که بیانگر منافع سرمایه بوده و در سیاست داخلی نیز مثل سیاست خارجی موضعی ضد انقلابی اتخاذ کرده ، پشتیبانی میکنند؛

( ۳ ) - این احزاب به خود اجازه داد ماند که توسط سرمایه‌داران فریفته شوند و به نوبه‌ی خود ، مردم را با امیدهای واهی فریب میدهند و وانمود میکنند که قادرند به کمک " نظارت " و " درخواست " از حکومت موقت و بدون استفاده از قدرت دولت ، ماهیت طبقاتی حکومت سرمایه‌داران را تغییر داده و آنها را از سیاست امپریالیستی که اکنون مورد نیاز سرمایه‌داران است و نیز از کوششهای ضد - انقلابی بر علیه آزادی ، بازدارند؛

( ۴ ) - ما حاصل کوششهایی که بمنظور آلودن آگاهی طبقاتی پرولترها و نیمه پرولترها صورت میگیرد و این احزاب به آن دامن میزنند ، نظر به حالت عام اعتماد بی - دلیل تودمها به سرمایه‌داران که اکنون عمدتاً " بافریب و چاپلوسی عمل میکنند دلیل اصلی فروکش انقلاب و شکست احتمالی آن از نیروهای ضد انقلاب بورژوازی - ملاکی است؛

کنفرانس مقرر میدارد که :

( ۱ ) - رأی مثبت به قرضه و حمایت از دفاع طلبی انقلابی ، بطور کلی خیانتی شرم آور به سوسیالیسم ، به مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا و به اصول انترناسیونالسم ، یعنی اتحاد برادرانه‌ی کارگران همه‌ی کشورها بر علیه سرمایه‌داران همه‌ی کشورها ، محسوب گردد؛

- (۲) - احزاب فوق الذکر بعنوان جریاناتی که در راه منافع خرد بوزروازی میکوشند ، از دیدگاه خرد بوزروازی پشتیبانی میکنند و پرولتاریا را با تأثیرات بوزروایی فاسد میکنند ، شناخته شوند ؛
- (۳) - بطور کلی ، اتحاد با احزابی که از سیاست پشتیبانی از حکومت موقت پیروی میکنند ، از دفاع طلبی انقلابی پشتیبانی میکنند و غیره ، نظر باینکه این احزاب مقام طبقاتی پرولتاریا را به خاطر موقعیت خرد بوزروایی رها کرد ماند ، مطلقاً غیر ممکن شمرده شود ؛
- (۴) - در رابطه با برخی از گروههای محلی کارگران که از صفوف منشویکها و سائیرین هستند ، ولی میکوشند مقام انترناسیونالیسم را در برابر " دفاع طلبی انقلابی " و در برابر رأی مثبت به قرضه و غیره پاسدارند ، سیاست حزب ما باید بزرگ پشتیبانی از این قبیل کارگران و گروهها ، طلب روابط نزدیکتر با آنها ، و پشتیبانی از وحدت با آنها در صورت گسست آشکار ایشان از خیانت خرد - بوزروایی به سوسیالیسم ، مبتنی باشد .

از روی نسخه تایپ شده صورتجلسات به چاپ رسید  
چاپ نخست - ۱۹۲۵ در کتاب شهر پتروگراد و  
کنفرانس های کشوری حزب کارگوسوسیال دموکرات  
روسیه ( بلشویک )

آوریل ۱۹۱۲

و ای . لنین - مجموعه آثار  
پروگراد - مسکو - متن انگلیسی  
جلد ۲۲ - صفحات ۱۶۰-۱۵۹



## پیشنویس قطعنامه درباره‌ی جنگ

I- جنگ کنونی ، از جانب هردو گروه قدرتهای متحارب ، جنگی امپریالیستی است؛ یعنی جنگی که توسط سرمایه داران برای سلطه بر جهان ، برای تقسیم غنائم سرمایه داران ، برای ایجاد بازارهای پرسود جهت سرمایه‌ی مالی و بانکی، و برای انقیاد ملل ضعیفتر درگیر شده است .

انتقال قدرت در روسیه از نیکلای دوم به حکومت گوجکف ، لووف و سایرین ، به حکومت ملاکین و سرمایه‌داران ، در معنی و ماهیت جنگ تاجاییکه به روسیه مربوط می‌شود ، تغییری نداد و نمیتوانست بدهد .

وقتی حکومت جدید نه تنها از انتشار معاهدات محرمانه‌ی تزار مخلوع نیکلای دوم با حکومتهای بریتانیا ، فرانسه و غیره خودداری نمود ، بلکه حتی رسماً آنها را تثبیت کرد ، حقیقت این امر که حکومت جدید به همان جنگ امپریالیستی ، یعنی جنگ تجاوزکارانه و استیلاگرانه ادامه میدهد ، به نحو بارزی عیان گردید . این امر بدون در نظر گرفتن اراده‌ی مردم و بانیت آشکار به فریب آنها صورت گرفت ، زیرا مثل روز روشن است که معاهدات محرمانه‌ی که توسط تزار مخلوع منعقد گردید ، معاهدات غارتگری بی شرمانه‌ی هستند که به سرمایه‌داران روسیه اجازه میدهند به چپاول چین ، ایران ، ترکیه ، اتریش و غیره ، بپردازند .

باین دلیل هر حزب پرولتری که نخواهد کاملاً از انترناسیونالیسم ، یعنی از مسئولیت برابر کارگران همه‌ی کشورها در مبارزیشان علیه یوغ سرمایه ، بگسلد نمیتواند طرفدار جنگ کنونی ، یا حکومت کنونی ، یا قرضه‌هایش باشد ، هرچند که این قرضه‌ها در عباراتی آتشین وصف شده باشند .

هیچ اعتمادی به وعده‌های حکومت کنونی دایر بر صرف نظر از ملحقات ، یعنی فتح کشورهای دیگر یا حفظ اجباری يك ملت در چهار چوب مرزهای روسیه ، روا نیست . چرا که ، در وهله‌ی اول ، سرمایه‌داران ، که با هزاران رشته‌ی سرمایه‌ی بانکی روسی و انگلیسی - فرانسوی به هم متصلند ، و مصمم اند از منافع سرمایه دفاع کنند ، نمیتوانند در این جنگ از ملحقات چشم‌پوشی کنند مگر اینکه در همین حال از سرمایه‌داری دست بکشند ، مگر اینکه از منافع هزاران میلیون سرمایه‌ای که در قرضه‌ها ، امتیازات ، صنایع جنگی و غیره سرمایه‌گذاری شده چشم‌پوشند . و ثانیاً ، حکومت جدید پس از چشم‌پوشی از ملحقات جهت فریب مردم ، از طریق میلیوکوف ( مسکو ، ۹ آوریل ۱۹۱۷ ) اظهار داشت که قصد نداشته از آنها صرف نظر کند . عاقبت ، آنطوریکه توسط



روزنامه‌ی دیلونا رودا ، روزنامه‌ی که جناب وزیر کرنسکی با آن همکاری میکند ، افشا شد ، میلیوکوف حتی بیانیه خود درباره‌ی صرف نظر از ملحقات رابه سایر کشورها ارسال نداشته است .

بنابراین ، کنفرانس اعلام میدارد که لازم است به منظور آگاه نمودن خلق از وعده‌های پوچ سرمایه داران مرزبندی روشنی بین صرف نظر از ملحقات در گفتار و چشم‌پوشی از ملحقات در کردار صورت گیرد . صرف نظر از ملحقات در کردار یعنی ، انتشار فوری همه‌ی قرارداد های محرمانه‌ی غارتگری ، همه‌ی اسناد سیاست خارجی ، و انجام اقدامات فوری برای آزادی کامل همه‌ی خلقهای تحت ستم ، همه‌ی خلقهای که به زور ضمیمه روسیه شده یا توسط طبقه‌ی سرمایه دارشکلی از انقیاد و اوار شد مانند ، طبقه‌ی که سیاست تزار مخلوع نیکلای دوم را ادامه میدهد ، سیاستی که مایه‌ی ننگ ملت ما است .

II - " دفاع طلبی انقلابی " که اکنون در روسیه تقریباً همه‌ی احزاب ناردنیک ( سوسیالیستهای خلقی ، ترودویکها ، سوسیال رولوسیونرها ) ، حزب اپورتونیست سوسیال دموکراتهای منشویک ( کمیته‌ی تشکیلات ، چخیدزه ، تسره‌تلی ، سایرین ) ، و اکثریت انقلابیون غیر حزبی رازیر نفوذ گرفته ، از نظر اعتبار طبقاتی بیانگر منافع و نقطه نظر خرد بورژوازی ، مالکین جز ، و دهقانان متمول است که مانند سرمایه داران ، از ستم به خلقهای ضعیف سود میبرند . از جانب دیگر ، این امر نتیجه‌ی فریب تودها توسط سرمایه داران است که بجای نشر معاهدات محرمانه تنها بوعده و سخنان چرب و نرم اکتفا میکنند .

باید اذعان نمود که توده‌ی عظیمی از " دفاع طلبان انقلابی " صادق اند ، یعنی در واقع آنها مخالف سیاست الحاقی ، مخالف فتوحات و مخالف ستم بر خلقهای ضعیف هستند ؛ آنها در واقع برای يك صلح غیر تحمیلی دموکراتیک بین همه‌ی ملل متحارب میکوشند . به این امر این جهت باید اذعان نمود که موقعیت طبقاتی پرولتاریا و نیمه پرولتاریای شهر و ده ( یعنی کسانی که معاش خود را کلاً یا قسماً ، با فروش نیروی کار خود به سرمایه داران تأمین میکنند ) این طبقات را به منافع سرمایه داری بی علاقه میسازد .

بنابراین ، کنفرانس در عین اعتقاد بر این اصل که هیچگونه ارفاقی نسبت به " دفاع طلبی انقلابی " مطلقاً مجاز نبوده و در واقع به معنی گسست کامل از انترناسیونالیسم و سوسیالیسم میباشد ، اعلام میدارد : مادامیکه سرمایه داران روسی و حکومت موقت شان به تهدید به خشونت بر علیه خلق اکتفا ورزند ، ( مثلاً فرمان بدبختانه رسوای کوچکف که سربازان را در صورت عزل و نصب انتخاباتی فرماندهان شان ، تهدید به مجازات کرده است ) ، مادامیکه سرمایه داران بر علیه شوراهای نمایندگان

کارگران ، سربازان ، دهقانان ، کارگران کشاورزی و سایرین ، که خود را آزادانه متشکل میسازند ، و آزادانه همه ی مأمورین عمومی را انتخاب و اخراج میکنند ، شروع به استفاده از خشونت نکرد ماند ، حزب ما خود داری از خشونت را توصیه خواهد نمود . حزب ما با خطای عظیم و مرگبار " دفاع طلبی انقلابی " تنها از طریق اقطاع رفیقانسه ، با عامه فهم کردن این حقیقت که اعتقاد کورکورانه ی توده های وسیع به حکومت سرمایه داران که دشمنان قسم خورد می صلح و موصیالیم هستند ، در روسیه امروزی ، بزرگترین مانع خاتمه سریع جنگ است ، مبارزه خواهد کرد .

III- در رابطه با نکتاتاز همه مهمتر ، یعنی اینکه چگونه به جنگ - جنگی جنایتکارانه ، غارتگرانه ، سرمایه دارانه که انسان را به پرتگاه نیستی ، گرسنگی ، و انهدام سوق داده است - با حداکثر سرعت ، باصلحی حقیقتا " دموکراتیک و غیر تحمیلی ، پایان دهیم ، کنفرانس نکات زیر را مشخص نموده و اعلام میدارد :

تصور اینکه این جنگ با امتناع یک جانبه ی سربازان هریک از کشورها از ادامه ی جنگ ، با توقف یک جانبه ی عملیات نظامی ، با صرف عمل " فروکردن سرنیزمه ها در زمین " پایان پذیرد ، به کلی بی معنی است .

حزب ما صبورانه ولی پیگیر این حقیقت را برای خلق تشریح خواهد کرد که جنگها توسط حکومت ها درمیگیرند ، که جنگها همیشه با سیاست طبقات مشخصی پیوند ناگسستنی دارند ، و نتیجتا " ، این جنگ که توسط دزدان تاجداره توسط سلاطین نظیر نیکلای دوم ، و دزدان بی تاج - سرمایه داران - شروع شد ، تنها وقتی میتواند باصلحی حقیقتا " دموکراتیک و غیر تحمیلی خاتمه یابد که تمام قدرت دولت به طبقه ای منتقل شود که واقعا " علاقمند به پاسداری از منافع سرمایه داری نیست ، به طبقه پرولترها و نیمه پرولترها که واقعا " شایسته ی پایان بخشیدن به حاکمیت جاہرانہ ی سرمایه است .

تنها این طبقه قادر به صرف نظر واقعی از ملحقیات ، قادر به گسیختن رشته های سرمایہ ی مالی و بانکی ، و تحت شرایطی مشخص ، نه فقط در گفتار بلکه در عمل ، قادر به تبدیل این جنگ غارتگرانه به یک جنگ انقلابی پرولترها می است ، جنگی که هدفش سرکوب خلقهای ضعیف نبوده ، بلکه آزاد کردن کارگران و دهقانان سراسر جهان از یوغ سرمایه است .

کنفرانس مراتب اعتراض خود را نسبت به اتهام بی اساسی که سرمایه داران بر علیه حزب ما شایع کرد ماند ، از این قرار که ما طرفدار صلح جداگانها آلمان هستیم ، اعلام میدارد . ما سرمایه داران آلمان را همانقدر غارتگر میدانیم که سرمایه داران روسی ، انگلیسی ، فرانسوی و غیره را ، و امپراطور و پهلیم دوم را همانقدر دزد تاجدار بدی میدانیم که نیکلای دوم یا سلاطین انگلیس ، ایتالیا ، رومانی و غیره را . ما این نظریه

حزب خود را نه تنها در روسیه ، بلکه در آلمان نیز در ترجمه‌ی مقاله‌ی زینوویف ولنین به نام سوسیالیسم و جنگ \* اعلام کرده ایم .  
 علاوه بر این رفقای مذکور به عنوان اعضای هیأت تحریریه‌ی ارگان مرکزی حزب ما ، و به نام حزب ، اظهار داشتند ( سوسیال دموکرات ، ژنو ، ۱۳ اکتبر ۱۹۱۵ ) که اگر انقلاب ، حزب ما را در حین ادامه‌ی جنگ به قدرت میرساند ، ما بید رنگ به آلمان ، و نیز همه‌ی ملت‌های دیگر صلحی غیر تحمیلی یعنی دموکراتیک پیشنهاد می‌کردیم ، و در صورتیکه سرمایه داران آلمانی ، بریتانیایی ، فرانسوی و سایرین ، از چنین صلحی سر باز می‌زدند ، ما خود به یک جنگ انقلابی دست می‌زدیم و کارگران همه کشورهای را برای پیوستن به صفوف ما فرا میخواندیم \* \* \* .  
 کنفرانس این اظهارات را قویاً تأیید میکند .

کنفرانس بر این حقیقت اذعان دارد که در هیچ کشور در حال جنگ دیگری از جهان ، بیش از روسیه‌ی فعلی آزادی وجود نداشته ، و با هیچ سازمان تودمائی انقلابی تراز شوراهای نمایندگان کارگران ، سربازان ، دهقانان و سایرین وجود ندارد ؛ و معترف است که ، به این ترتیب در هیچ جای دیگری از جهان ، انتقال تمام قدرت دولت به اکثریت واقعی خلق ، یعنی به کارگران و دهقانان فقیر ، آسانتر و صلح‌آمیزتر از روسیه ، عملی نیست .

کنفرانس اعلام می‌دارد که هزینه‌ی نگهداری سربازان باید ، نه از طریق قرضه که به فنی تر شدن سرمایه داران می انجامد ، بلکه با وضع مالیات‌های سنگین بردار آید و دارای سرمایه داران ، افزایش یابد .

کنفرانس اعلام می‌دارد ، مادامیکه اکثریت مردم ، علیرغم برخورداری از آزادی کامل جهت تبلیغ و ترویج ، هنوز در نیافتن آنند که این جنگ چه وابستگی تنگاتنگی با منافع سرمایه داری دارد ، تنها یک وسیله‌ی عملی برای خاتمه‌ی سریع این کشتار خلقها وجود دارد .

این وسیله ، مودت در جبهه است .

کنفرانس توجه و تقارن این حقیقت جلب میکند که حتی نویا یورپا ، این سخنگوی فرومایه‌ی منافع سرمایه داری ، در تلگرافی از کیف به تاریخ ۱۲ آوریل اعتراف میکند که مودت در جبهه شروع شده است . گزارشات بیشماری از نمایندگان سربازان به

\* - و ای . ولنین - مجموعه آثار - چاپ سوم - جلد ۲۱ - صفحات ۶-۲۰۱ پروگرس مسکو - متن انگلیسی )

\* \* - و ای . ولنین - مجموعه آثار - چاپ سوم - جلد ۲۱-۲۰۲ ( پروگرس - مسکو - متن انگلیسی )

به شورای نمایندگان کارگران و سربازان در پتروگراد ، این خبر را تأیید می کند .  
باشروع مودت ، سربازان روسیه و آلمان ، پرولترها و دهقانان هردو کشور که  
جامعی سربازی پوشیده اند ، به سراسر جهان ثابت کرد ماند که طبقات تحت ستم  
توسط سرمایه داران ، از روی غریزه راه صحیح پایان بخشیدن به کشتار خلقها را  
کشف کرده اند .

منظور ما از ایجاد مودت ، نخست انتشار اعلامیههایی به زبانهای روسی و آلمانی  
بمنظور بخش در جبهه ۱ دوم برپایی میتینگها می میان سربازان روسی و آلمانی در  
جبهه به کمک مترجمین است ، این کارها باید طوری تنظیم گردد که سرمایه داران ،  
وزرال ها و افسران هردو کشور ، که اکثر آنها از طبقه سرمایه دار هستند ، چیرات  
نکنند در این میتینگها مداخله کنند ، حتی جرات نکنند بدون اجازه مستقیم و مخصوص  
سربازان در آنها حضور یابند .

این اعلامیهها و میتینگها باید نظریات فوق الذکر دربارهی جنگ و صلح را روشن  
کنند ، باید این حقیقت را توضیح دهند که اگر در هردو کشور آلمان و روسیه ، قسودت  
دولتی کلا و منحصرآ به دست شوراها ی نمایندگان کارگران و سربازان بیفتد ، آنگاه  
همی نوع بشر نفس راحت خواهد کشید ، چراکه آنگاه ما واقعا " به خاتمی سریع جنگ ،  
به صلحی پایدار و حقیقتا " دموکراتیک در بین همی ملتها ، و در عین حال ، به گذار  
همی کشورها به سوسیالیسم اطمینان خواهیم یافت .

بین ۲۲ و ۱۵ آوریل ( ۲۸ آوریل و ۵ مه ) ۱۹۱۷  
نوشته شد .

از روی نسخه ی تایپ شده و با اصلاحات لنین  
چاپ شد .

چاپ اول ، سال ۱۹۲۲ در چاپ دوم و سوم  
مجموعه ی آثار لنین ، جلد xx

و ای . لنین - مجموعه ی آثار  
پروگرس - مسکو - متن انگلیسی  
جلد ۲۲ - صفحات ۱۶۶-۱۶۱



۱- کفرانس پتروگراد حزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه ( بلشویک ) - پس از شرکت ۵۷ نماینده تشکیل شده و به مفاد زیر پرداخت : اوضاع کنونی ؛ طرز برخورد با حکومت موقت ؛ طرز برخورد با شورای نمایندگان کارگران و سربازان و مسأله تجدید سازمان آن ؛ ساخت سازمانی حزب ؛ طرز برخورد با سوسیال دموکراتها و جریانهای دیگر ؛ انتخابات شهرداری ؛ تفسیحات علیه پسران و گزارش اوضاع کنونی توسط لنین داده شد .  
کفرانس تترهای آوریل لنین را پذیرفت و اقدامات خود را مبتنی بر آنها نمود .

۲- سوسیال دموکرات - يك روزنامه غیر قانونی ، ارگان مرکزی حزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه ؛ از فوریه ۱۹۰۸ تا واپس ۱۹۱۲ منتشر می شد . روهم ۵۸ شماره از آن منتشر شد . نخستین شماره در روسیه به چاپ رسید ، ولی چاپ شماره های بعدی در خارج انجام گرفت ، ابتدا در پاریس ، سپس در ژنو . بنا بر یکی از تصمیمات کمیته مرکزی حزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه ، هیئت تحریریه از نمایندگان بلشویکها ، منشویکها و سوسیال دموکراتهای لهستان تشکیل شد . روزنامه در واقع زیر نظر لنین اداره میشد .

پیش از ۸ مقاله و مطلب کوتاه از لنین ، در روزنامه به چاپ رسید . لنین برای ایجاد يك خط پیگیر بلشویکی در هیات تحریریه مبارزه میکرد . پاره ای از اعضا ( گانف و زینوویف ) نسبت به انحلال طلبان برخوردی مسالمت آمیز داشتند و با خط لنینی مخالفت میکردند . اعضای منشویک هیات تحریریه مارتف و دان - دو عین حال که در روزنامه ی فراکسیون خود گولوس سوسیال دموکرات ( صدای سوسیال دموکرات ) آشکارا از انحلال طلبی دفاع میکردند ، در کار اعضای تحریریه نیز کار شکنی میکردند . مبارزه بی امان لنین علیه انحلال طلبان ، در ژوئن ۱۹۱۱ منجر به استعفای مارتف و دان از هیات تحریریه گردید . از دسامبر ۱۹۱۱ سوسیال دموکرات به سردبیری لنین منتشر میشد . در آغاز جنگ جهانی اول ( ۱۹۱۸ - ۱۹۱۴ ) ، پس از وقفای یکساله ، لنین موفق به تجدید فعالیت روزنامه شد . شماره ی ۳۴ روزنامه ، حاوی بیانیه کمیته مرکزی حزب کارگرسوسیال دموکرات روسیه که پیشتر پس آن توسط لنین تهیه شده بود در اول نوامبر ( تقویم جدید ) سال ۱۹۱۴ منتشر شد . مقاله -  
\* در ترجمه ی متن و توضیحات ، تاکید ها همه جاز متن اصلی است .

هایی که در دوران جنگ ، از لنین در سوسیال دموکرات چاپ شد ، نقش مهمی در کمک به اجرای استراتژی و تاکتیکهای حزب کمونیست در زمینه مسائل مربوط به جنگ ، صلح و انقلاب ، در افشای سوسیال شوننیست های علنی و مخفی ، و در متحد کردن نیروهای انترناسیونالیست در جنبش کارگری جهان ایفا نمود .

۲- اعلامیه انتشار ثانوی مجله هفتگی انترناسیونال در ۱۶ ( ۲۹ ) آوریل ۱۹۱۲ در رابوچایا گازتا به چاپ رسید . شماره نخست نخست در ۱۸ ( ۳۱ ) آوریل منتشر شد ، و در ۲۵ آوریل ( ۵ مه ) ، لنین ظاهراً هنوز آنرا ندیده بود . روزنامه در صفحه عنوان حاوی یادداشتی بود باین مضمون که بسبب تأخیر ورود مارتف ، شماره نخست به سردبیری ی . لارین منتشر شده است . فهرست اعضای تحریریه شامل ل . مارتف ، ی . لارین ، پ . ب . آکسلرود ، گ . و . بینشتوک بود . در شماره نخست اعضای تحریریه ندای مبارزه ای مسالمت آمیز از طریق فشار آوردن بر حکومت موقت جهت وادار ساختن آن به پذیرش خواستهای پرولتاریا در سیاستهای داخلی و خارجی ، سردادند . سومین شماره مجله ( ژوئن ۱۹۱۲ ) آخرین آنها بود . در اگوست ۱۹۱۲ برخی از کارکنان روزنامه به رهبری ی . لارین از منشویکها گسستند و به صفوف حزب بلشویک پیوستند .

## یادداشت‌هایی جهت يك مقاله یا خطابه در دفاع از تظاهرات آوری

- ( ۱ ) - ورشکستگی عمومی اقتصادی قریب الوقوع است . بنا بر این خلع یداز بورژوازی اشتباه است .  
( این استنتاج بورژوازی است . هرچه ورشکستگی نزدیکتر باشد ، خلع یداز بورژوازی ضروری تر میشود ) .
- ( ۲ ) - پرولتاریا غیرمتشکل ، ضعیف و فاقد آگاهی طبقاتی است .  
( درست . بنا بر این همه تکلیف مبارزه با آن رهبران خرده بورژوا ، به اصطلاح سوسیال دموکراتها - چخیدزه ، تسوه تلی ، استکلوف - است ، که توده ها را خواب میکنند ، آنها را تشویق به اعتماد به بورژوازی میکنند .  
با این خرده بورژواها - چخیدزه ، استکلوف ، تسره تلی - وحدت نه ، بلکه غلبه کامل بر این سوسیال دموکراتها ، که انقلاب پرولتاریا را به تباهی میکشاند ) .
- ( ۳ ) - انقلاب در مرحلهی فعلی بورژوازی است . بنا بر این به " عمل سوسیالیستی " نیازی نیست .  
( این بحث سرتاپا بورژوازی است . حرفی از " عمل سوسیالیستی " در بین نیست . طرح مشخص مارکسیستی مسأله ایجاب میکند که حالا نهاد ها نیز علاوه بر طبقات به حساب آورده شوند ) .
- موانع استمرار انقلاب ، با عبارات شیرین - چخیدزه ، تسره تلی ، استکلوف - دارند انقلاب را پس میرانند ، بیرون از شوراهای نمایندگان کارگران به طرف سلطه تجزیه ناپذیر بورژوازی ، به طرف جمهوری پارلمانی بورژوازی از نوع معمول .  
ما باید با قدرت و احتیاط از هان خلق را پاک کنیم و پرولتاریا و دهقانان فقیر را به پیش رانیم ، بیرون از " قدرت دوگانه " بسوی قدرت کامل شوراهای نمایندگان کارگران ، و این است کمون از دید مارکس ، به مفهوم تجربهی ۱۸۷۱ .  
مسأله این نیست که با چه سرعتی حرکت کنیم ، بلکه اینست که به کجا باید برویم .  
مسأله این نیست که آیا کارگران آماده هستند یا نه ، بلکه اینست که چطور بیه چه منظور باید آماده شوند .
- از آنجا که بیانیها و درخواستهای شورای نمایندگان کارگران در بارهی جنگ و غیره ، گزارندهای محض خرده بورژوازی هستند که صرفاً " برای خواب کردن مردم طراحی شده اند ، قبل از هر چیز وظیفهی ما است ، چنانکه گفتیم ، از هان خلق را روشن کنیم ، تودما را از زیر نفوذ بورژوازی چخیدزه ، استکلوف ، تسره تلی و شرکا " خلاص کنیم .

«دفاع طلبی انقلابی» شورای نمایندگان کارگران، یعنی چخیدزه، تسره تلسی و استکلوف، گراپشی شوونیستی است که در لفاف عبارات شیرین صد بار خطرناکتر میشود، کوششی است بمنظور آشتی دادن تودمه‌ها با حکومت انقلابی موقت.

نودم‌های نادان و ناآگاه که توسط چخیدزه، تسره تلسی، استکلوف و شرکا، فریب خوردند، تشخیص نمیدهند که جنگ ادامه‌ی سیاست است، که جنگها توسط حکومتها درمیگیرند.

باید روشن ساخت که «خلق» تنها با تعقیب ماهیت طبقاتی حکومت، میتواند به جنگ خاتمه داده، یا ماهیت آنرا تغییر دهد.

بین ۱۲-۲ ( ۲۵-۱۷ ) آوریل ۱۹۱۷ نوشته شد  
از روی نسخه‌ی خطی چاپ شد  
چاپ اول در ۲۱ ژانویه ۱۹۳۳ - پراودا - شماره ۲۱.

و. ای. نین - مجموعه آثار - چاپ سوم  
مسکو - پروگرس - متن انگلیسی  
جلد ۲۲ - صفحات ۳۳-۳۲

## بلانکیسم

لویی بلانک ، سوسیالیست فرانسوی ، در دوران انقلاب ۱۸۴۸ با تغییر مواضعش از مبارزه طبقاتی به توهمات خرده بورژوازی ، توهمات آراسته به عبارت پردازی به اصطلاح " سوسیالیستی " ، ولی در واقع متعادل به تحکیم نفوذ بورژوازی بر پرولتاریا ، شهرت رسوای رشک ناپذیری کسب کرد . لویی بلانک به یاری بورژوازی چشم درخت ، او امید بست و این امید را به دیگران القا نمود ، که بورژوازی می تواند در امر " سازماندهی کار " - این عبارت مبهم بهیچر تمايلات " سوسیالیستی " به نظر نیاید - به پرولتاریا کمک کند .

بلانکیسم اکنون نقش مسلط را در " سوسیال دموکراسی " راست ، در حزب کمپتهی تشکیلات روسیه به دست آورده است . چخیدزه ، تسرمتلی ، استکلوف و بسیاری دیگر ، که حالا رهبران شورای پتروگراد نمایندگان کارگران و سربازان هستند و نیز رهبران کنفرانس کشوری اخیر شوراها \* بودند ، مواضعی نظیر لویی بلانک اختیار کردند .

این رهبران ، که تقریباً در خط بین المللی " مرکزیت " که توسط کائوتسکی ، لونگه ، توراتی و بسیاری دیگر ارائه میشود قرار میگیرند ، در همهی مسائل اصلی زندگی سیاسی کنونی ، نظریات خرده بورژوازی لویی بلانک را اتخاذ کرده اند . برای مثال مسألهی جنگ را در نظر بگیرد . موضع پرولتاریایی در این مورد ، مشتمل بر توصیف طبقاتی مشخص جنگ ، و خصوصیت آشتی ناپذیر نسبت به جنگ امپریالیستی است - یعنی ، جنگ بین گروههایی از کشورهای سرمایه داری ( فوق نمی کند که جمهوری باشند یا سلطنتی ) جهت تقسیم غنائم سرمایه دارانه . -

\* کنفرانس کشوری شوراها ی نمایندگان کارگران و سربازان روسیه به دعوت کمیتهی اجرایی شورای پتروگراد بین ۲۹ مارس تا ۱۳ آوریل ( ۱۱ آوریل تا ۱۶ آوریل ) ۱۹۱۷ در پتروگراد برپا شد .

نمایندگان شورای پتروگراد و شوراها ی محلی ، به اتفاق نمایندگان واحدهای ارتش در جبهه و پشت جبهه ، در کنفرانس حضور داشتند . کنفرانس مسألهی جنگ ، طرز برخورد با حکومت موقت ، مجلس مؤسسان ، مسألهی ارضی ، خواروبارو مسائلی دیگر را مورد بحث قرار داد .

کنفرانس که در آن ، منشویک ها و سوسیال رولوسیونیستها قدرت رهبری داشتند ، نقطه نظر " دفاع طلبی انقلابی " اتخاذ نمود و قطعنامه ای را تصویب کرد که پشتیبانی از حکومت موقت بورژوازی را طلب می نمود .



نقطه نظر خرده بورژوازی با نقطه نظر بورژوازی ( دفاع آشکار از جنگ ، دفاع از میهن " آشکار ، یعنی دفاع از منافع سرمایه داران خودی ، دفاع از حق آنها بر ملحقات ) این فرق را دارد که خرده بورژوا از ملحقات " چشم میپوشد تا مهربالیسم را " سرزنش میکند " ، از بورژوازی " درخواست میکند " که در عین باقی ماندن در چهار چوب روابط سرمایه داری جهانی و نظام اقتصاد سرمایه داری ، امپریالیستی نباشد . خرده بورژوازی با محدود کردن خود به این رجز خوانی ملایم ، بی آزار و آهکی ، در عمل ، ناگزیر از دنبال بورژوازی می رود ، در بعضی زمینهها در گفتار با پرولتاریا " همدردی میکند " ، در کردار وابسته به بورژوازی باقی میماند ، نمیتواند یانمی - خواهد راهی را که به سرنگونی یوغ سرمایه داری منجر میشود ، تنها راهی که میتواند دنیارا از شر امپریالیسم خلاص کند ، در یابد .

" درخواست " تنظیم " اظهاره ای موقرانه " مبنی بر چشم پوشی از ملحقات از سوی حکومتهای بورژوازی ، اوج بی پروایی از جانب خرده بورژوازی و نمونمای از پیگیری ضد امپریالیستی " زهریوالد سیستی " است . درک این امر دشوار نیست که این بلانکیسم به بدترین شکل است . اولاً " ، هیچ سیاستمدار بورژوا با قدری تجربه هرگز در فریاد کردن عبارات نفز ، " درخشان " ، و مطمئن علیه ملحقات " بطور کلی " مشکلی نخواهد داشت ، عباراتی چنان بی معنی که مسئولیتی ایجاد نمیکنند . ولی وقتی پای عمل پیش بیاید ، همیشه میشود نیرنگی سحرآمیز بکار برد ، مشابه عمل رچ ، که با جسارتی رقت انگیز اظهار داشت ، کورلاند \* ( حالا توسط غارتگران امپریالیست آلمان بورژوازی ضمیمه شده است ) توسط روسیه ضمیمه نشده بود !

این حقه بازی از نفرت انگیزترین نوع است ، بی شرمانهترین نوع اغفال کارگران توسط بورژوازی است ، چراکه هر کس قدری با سیاست آشنا باشد باید بداند که کورلاند همیشه ضمیمه روسیه بود .

ما علناً و مستقیماً رچ را به مبارزه می طلبیم : ( ۱ ) به مردم تعریفی سیاسی از مفهوم الحاق که برای همه ملحقات در جهان ، آلمانی ، بریتانیایی ، روسی ، گذشته و حال ، بدون استثنا بکار رود ، عرضه کند . ( ۲ ) به روشنی و وضوح بیان کند که از نظرش چشم پوشی از ملحقات ، نه در گفتار ، بلکه در کردار ، به چه معنی است . چنان تعریف سیاسی از مفهوم " چشم پوشی از ملحقات در کردار " به دست دهد که نه تنها در مورد آلمانها ، بلکه نیز انگلیسها و همی ملل دیگری که زمانی ملحقاتی داشته اند ، صدق کند .

ما ادعا میکنیم که با رچ از مبارزه با ماطرفه خواهد رفت و با توسط مادر پیشگامتانی

\* کورلاند - نام قدیم ناحیه ای در بالتیک ، واقع در غرب و جنوب غربی خلیج ریگا .

ملت انشا خواهد شد . و مشخصاً به دلیل ور رفتن ریج با مسأله‌ی کورلاند ، جدال مائتویک نبوده ، بلکه مبارزای عملی با فوریتهی خطیر و اهمیتی حیاتی است .  
ثانیاً "فرض کنیم ، گیرم برای یک لحظه ، که وزیران بورژوا مظهر صداقتند ، که گرجکف ها ، میلیوکوف ها ، لوف ها و شرکا" به امکان چشم پوشی از ملحقات ، در همین حفظ نظام سرمایه داری ، صادقانه معتقدند ، و واقعاً "میخواهند" از آنها چشم پوشی کنند .

بیا بید ، برای یک لحظه ، چنین فرضی را هم بکنیم ، بیا بید این فرض بلا نیستی را بکنیم .

هر کس حق دارد بپرسد : آیا یک آدم بالغ میتواند به آنچه مردم در باره‌ی خودشان فکر میکنند ، بدون مقایسه آن با آنچه که میکنند ، اکتفا کند ؟ آیا یک مارکسیست حق دارد نیات و گفتار نیک را از واقعیات عینی ، تمیز ندهد ؟  
نه . ممکن نیست .

ملحقات بارشته های سرمایه مالی ، سرمایه بانکی و سرمایه امپریالیستی حفاظت میشوند . شالوده‌ی نوین و اقتصادی ملحقات در اینجا است . از این زاویه ، ملحقات منافع از نظر سیاسی تضمین شده ی هزاران میلیون سرمایه‌ی هستند که در هزاران هزار شرکت ( انترپرایز ) در کشورهای ضمیمه " سرمایه گذاری " شده اند .

حتی اگر چنین تمایلی هم موجود باشد ، غیر ممکن است ، بدون برداشتن گام های قطعی در جهت واژگونی یوغ سرمایه ، از ملحقات چشم پوشید .

آیا این امر ، چنانکه پدینستور ، رابوچایاگازتا\* و سایر "لونی بلانک" های خردمبورژوازی ما آمادمانند از آن استنتاج کنند و عملاً هم میکنند ، به این معنی است که ما نباید گامهای قطعی در جهت سرنگونی سرمایه داری برداریم ، که ما باید حداقل بخشی از ملحقات را بپذیریم ؟

نه ! باید گامهای قطعی ، در جهت سرنگونی سرمایه داری برداشته شود . این گامها باید با قدرت و به تدریج ، تنها با تکیه بر آگاهی طبقاتی و فعالیت متشکل اکثریت شکننده‌ی کارگران و دهقانان فقیر برداشته شود . ولی باید برداشته شود . شوراها ی نمایندگان کارگران هم اینک ، در بسیاری نقاط روسیه شروع به برداشتن این گامها کرده اند .

اکنون دستور روز جدا کردن قاطع و بی بازگشت راهها با لونی بلانک ها است .  
چخیدزها ، تسرمتلی ها ، استکلوف ها ، حزب کمیته‌ی تشکیلات ، حزب سوسیال

---

\* - رابوچایاگازتا ( روزنامه‌ی کارگری ) - ارگان مرکزی منشویک ها ، از مارس تا نوامبر ۱۹۱۲ بصورت روزانه در پتروگراد منتشر میشد .

رولسپونر، وغيره وغيره . - بايد به توده ها نشان داد كه بلانگيسم ، به شرفت آتسي انقلاب و حتى به شرفت آزادي را ضايع ميگند و بگلي ضايع خواهد كرد ، مگر اينكه توده ها در پابند كه اين توهمات خرده بورژوازي تا چه حد خطرناكند و در گامهاي آگاهانه ، تدریجی ، سنجیده ، نیز محكم و مستقيم كارگران آگاه به سوی سوسيالیسم ، همراه گردند .

بيرون از سوسيالیسم ، هيچ راهی برای رهايی انسان از جنگها ، از گرسنگی ، از هلاكت بازهم مملیونها و مملیونها انسان ديگر ، وجود ندارد .

پراودا شماره ۲۷ - آوریل ۱۹۱۷

افشا : ن . نین

مطابق متن پراودا به چاپ رسيد

و . ای . نین - مجموعه آثار

متن انگلیسی - مسکو - پروگرس چاپ سوم

جلد ۲۲ صفحات ۲۲ - ۲۲